

پروانه سلحشوری گفته: " مقاومت در برابر حجاب، به همان سال‌هایی برمی‌گردد که حجاب اجباری شد؛ جریانی که در ایران به راه افتاده است به بیگانگان متصل نیست."

حجاب ابتدا یک مسئله شخصی است؛



رئیس فراکسیون زنان مجلس می‌گوید «حجاب» ضمن اینکه در کشور ما تبدیل به قانون شده و راه اعتراض به آن هم باید قانونی و در چارچوب قانون باشد، اما یک موضوع کاملاً شخصی است و اصلاً درست و منصفانه نیست که بخواهیم دختران معترض را زود قضاوت کنیم و به آن‌ها انگ «فاسد» بزنیم.

به گزارش اسپادانا خبر، پروانه سلحشوری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، که تزارشد و دکتری خود را در حوزه زنان به پایان رسانده است، می‌گوید که شخصاً به حجاب اعتقاد دارد، اما بحث حجاب هرچند که به یک قانون تبدیل شده باشد، اما یک مسئله شخصی است و اعتراض به آن هم باید در چارچوب قانون باشد.

این نماینده مجلس، در ادامه می‌گوید که با همه این اعتراضات اما، بعید است که مشکل اصلی حوزه زنان بحث «حجاب» باشد. زیرا زنان در جامعه کنونی ما سال‌هاست که مشکلات و معضلات مهم‌تری مانند، برابری جنسیتی، حق تحصیل، عدم آموزش در روابط با جنس مخالف، در معرض بودن بیماری‌های جنسی، تبدیل کردن آن‌ها به یک وسیله ابزاری و ... دسته و پنجه نرم می‌کنند.

خانم سلحشوری، بحث حجاب و اعتراضات به آن، چند ماهی است که به یکی از مباحث مهم کشور خصوصاً در حوزه زنان تبدیل شده، ارزیابی شما در این خصوص چیست؟ شما ریشه این اعتراضات را چه می‌دانید؟

من در ابتدا باید بگویم که اصلاً علاقه ندارم این جریانی که در ایران به راه افتاده است را به بیگانگان متصل کنم. مقاومت در برابر حجاب، به همان سال‌هایی برمی‌گردد که حجاب اجباری شد. بحث حجاب ابتدا یک مسئله شخصی است اما تبدیل به قانون کشور ما شده است. من به یاد دارم که شخصاً از سوم دبستان به دلیل «علاقه شخصی» به حجاب، چادر به سر می‌کردم و حتی گاهی مورد سؤال و انتقاد از سوی دوستانم هم قرار می‌گرفتم. من حتی در ده سالی هم که در هند زندگی می‌کردم چادرم را به همراه داشتم، اما در چند سال گذشته به دلیل مشکلی که برای دستم ایجاد شده بود، چادر را کنار گذاشتم و اکنون هم برخی مواقع به دلیل مشکلی که برای دستم وجود دارد نمی‌توانم از چادر استفاده کنم.

من معتقد نیستم که حجاب به «چادر» باشد. ولی روی هم رفته اعتراض به حجاب موضوع جدیدی نیست و همواره به اشکال مختلف در کشور ما وجود داشته است. اما این اعتراضات که اخیراً به این صورت بروز پیدا کرده است را نباید به بیگانگان و افرادی که در خارج از کشور هستند ارتباط دهیم و بگویم که از آن سمت خط می‌گیرند. این اعتراضات گروه سنی خاص و مشخصی هم ندارد و حتی مرد و زن هم نمی‌شناسد. این موضوع یک بحث و اختلاف داخلی کشورمان است که خودمان باید آن را حل کنیم. بالاخره برخی از مردم به برخی از موضوعات اعتراض دارند و این هم یکی از آن موارد. ما علاوه بر اینکه باید شنونده نیازهای مردم باشیم در عین حال هم نباید به آن‌ها «انگ» و «برچسب» بزنیم. انگ زدن و قضاوت کردن اصلاً صحیح و منصفانه نیست.

بانوانی که دست به چنین اعتراضاتی می‌زنند باید بدانند که این موضوع جزئی از قانون ما شده است. هر موضوعی که در قانون آمده است، باید اعتراض به آن هم سازوکار خاص و قانونی خود را داشته باشد. مثلاً وزارت کشور شاید بتواند به این معترضین مجوزی برای اعتراض بدهد اما بانوان حجاب داشته باشند و به همان حجاب اعتراض کنند و یا مواردی دیگر که من اطلاعی

ندارم.

ما در فراکسیون زنان قرار است جلسه‌ای را برگزار کنیم و این موضوع را به صورت دقیق بررسی کنیم و ببینیم چه کمکی می‌توانیم در این خصوص انجام دهیم. این معترضین نه ضد نظام هستند، نه فاسد هستند و نه جاسوس. این‌ها به یک موضوعی فقط «معترض» هستند. به نظر من گناه بزرگی است دختری را که به حجاب اعتقادی ندارد به جرم «فساد» بازداشت کنیم. این دختران هیچ فساد را مرتکب نشده‌اند و فقط به موضوعی که به آن اعتقادی ندارند اعتراض دارند. ما باید سعی کنیم تا تعادل را حفظ کرده و با ملامت برخورد کنیم. بالاخره باید راه‌کار مؤثری را در این خصوص پیدا کرد، زیرا این مطالبه بسیاری از زنان است که سال‌هاست با آن مواجه هستند.

می‌توانیم ریشه این اعتراضات را به سایر تبعیض‌های که در جامعه نسبت به زنان وجود دارد، مرتبط بدانیم؟

نه من فکر نمی‌کنم که این‌گونه باشد. زیرا این موضوع یک ریشه مذهبی دارد. در قرآن هم به زنان مؤمن و معتقد اشاره شده است. من عالم دینی نیستم اما کتاب‌های متفاوتی را در این باره مطالعه کرده‌ام. مثلاً آقای ترکاشوند در کتاب‌هایشان حجاب را آن‌گونه‌ای که ما می‌دانیم، قبول ندارند. یا مثلاً آقای موسی صدر هم می‌دانم که چنین اعتقادی به حجابی که ما مدنظر داریم، ندارند. در میان علمای خودمان هم یک نقل‌قولی از حضرت امام خمینی آورده شده که ایشان گفته من به حجاب اجباری اعتقادی ندارم اما فشارهایی وارد شده که من حجاب را اجباری کنم. یا حتی آقای طالقانی هم همین‌طور که آن زمان اعلام کرده بودند حجاب اجباری نیست اما برای حفظ احترام، به رأی و نظر اکثریت جامعه باید آن را انجام داد و برخورد مناسبی را هم با اقلیتی که معترض هستند داشت. در رابطه با این معترضان هم باید یک رفتار معقول صورت بگیرد و از رفتارهای تند و زدن تهمت به آن‌ها، واقعاً پرهیز کنیم.

اما به نظر می‌رسد که ما از اتفاقات کوچک بحران می‌سازیم، مسئولین ما نحوه «برخورد مناسب» با اتفاقات و اعتراضات را ندارند.

بله دقیقاً همین‌طور است. ما اکنون از هر اعتراضی که در کشور رخ می‌دهد، یک بحران می‌سازیم و این بحران‌سازی‌ها شدیداً برای کشور خطرناک است. متأسفانه مسئولان ما عجلانه برخورد می‌کنند. برای من قابل درک نیست که چرا تا یک اعتراضی صورت می‌گیرد به بدترین شکل ممکن با آن‌ها برخورد و آن را تبدیل به بحران می‌کنند، فقط هم مسئله زنان نیست. شما بحث ورزشگاه، بحث دراویش و ... را ببینید. دراویش از آرام‌ترین فرقه‌های مذهبی ایران هستند، چرا باید تا این اندازه برخوردهای تندی با آن‌ها شود که در نهایت شاهد آن اتفاقات ناگوار خیابان پاسداران شویم؟ به نظرم خیلی راحت می‌شد این حوادث و اعتراضات را مدیریت کرد.

گرفتن دانشجویان در اعتراضات دی‌ماه، بازداشت زنان در کنار درب ورزشگاه آزادی و ... همه مسائلی است که نشان می‌دهد ما نوع «واکنش» و «مواجهه» با اتفاقات را بلد نیستیم. مگر زنان چه جرمی مرتکب شده بودند که آن‌ها را در کنار ورزشگاه آزادی بازداشت کردند؟ حتماً چند وقت دیگر تردد بانوان از خیابان منتهی به ورزشگاه آزادی را هم منع می‌کنند. درحالی‌که کشورهای دنیا سعی دارند تا با بهترین و آرام‌ترین روش ممکن مسائل را حل و فصل کنند و بحران‌ها را از میان بردارند، اما در اینجا کوچک‌ترین مسائل به یکباره و با بی‌تدبیری هرچه تمام‌تر تبدیل به یک مسئله بزرگ و بحران می‌شود.

من به عنوان یک جامعه‌شناس می‌گویم هرچه فضای کشور را امنیتی‌تر و سخت‌گیرانه‌تر کنیم، مسائل پیچیده‌تر و باز کردنشان هم به مراتب سخت‌تر می‌شود، به نظرم این نحوه برخورد و این رفتارها می‌تواند به مثابه یک ضربه به نظام باشد.

چرا برای این موضوع تاکنون جلسه‌ای تشکیل نشده است؟ چرا یک متولی برای بررسی این موضوع و کاهش تنش‌ها انتخاب نمی‌شود؟

ما در فراکسیون زنان، تصمیم داریم تا جلسه‌ای را در همین خصوص تشکیل دهیم و از جامعه شناسان، قوه قضاییه، دولت و ... دعوت کنیم. اصل بحث اعتراض به مجلس برمی‌گردد، مجلس است که قانون وضع کرده و این مجلس است که در صورت ضرورت باید قانون را تغییر و اصلاح کند.

همین عربستان یکسری تغییرات ساختاری را شروع کرده است. اگر کشورهای دیگر که در شاخصه‌های شکاف جنسیتی از ما عقب‌تر هستند که فکر می‌کنم ۴ کشور باشند، بخواهند این‌گونه با سیر تحولات جلو بروند، ما قطعاً آخرین کشور خواهیم بود. زمانی که از سوی نهادهای مربوطه قرار باشد شکاف‌های جنسیتی را مورد سنجش قرار دهند، با این تغییراتی که انجام داده است فکر نمی‌کنم عربستان سال دیگر از ما عقب‌تر باشد.

من معتقدم در کنار بحث حجاب، زنان با مشکلات مهم‌تر و عمیق‌تری دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به نظر من بسیاری از مسائل دیگر نسبت به موضوع حجاب، ضروری‌تر است. بحث حق تحصیل زنان، بحث سن ازدواج و ... همه و همه از موضوعاتی است که باید حتماً و حتماً به آن‌ها پرداخته شود و اهمیت‌شان هم نسبت به حجاب بسیار بیشتر است.

آیا شما هم بر این عقیده هستید که زنان در جامعه فعلی ما تبدیل به «مسئله» شده‌اند؟

من معتقد نیستم که زنان تبدیل به «مسئله» شده باشند. به نظرم زنان به یک خط قرمز تبدیل شده‌اند. متأسفانه ما بسیاری از مسائل را به جمهوری اسلامی گره زده‌ایم و حساسیت‌ها را بالا برده‌ایم. من می‌گویم به جای اینکه زنان را یک ابزار سیاسی

بدانیم، آن‌ها را به‌عنوان موجودات اجتماعی ببینیم. اگر نگاه، نگاه اجتماعی باشد طبیعتاً مسائل نیز راحت‌تر حل می‌شوند. قاعدتاً زنان مسئله نیستند زیرا اگر بودند باید کاملاً آن‌ها را حذف می‌کردند. اما این کار را نمی‌کنند زیرا بالاخره به زنان نیاز دارند.

در خلال صحبت‌هایتان به بحث سن ازدواج دختران اشاره کردید، این بحث در مجلس به کجا رسید؟

قطعاً و یقیناً پیگیر این موضوع هستیم. بحث بودجه سال ۹۷ بسیار فراتر تصور ما، وقت مجلس را گرفت اما امیدواریم بعد از عید حتماً این موضوع را در دستور کار قرار دهیم. با برخی از مراجع در خصوص سن ازدواج دختران صحبت‌هایی شده است. با آیت‌الله مکارم صحبت شده و ایشان گفته بودند که بلوغ عقلی و فکری برای ازدواج لازم است و حتی یک دستخط هم از ایشان در این مورد داریم.

اخیراً گزارش‌هایی مبنی بر گسترش صیغه در میان دختران منتشر می‌شود که اغلب آن‌ها هم به دلیل نیازهای عاطفی عنوان شده است، ارزیابی شما در این خصوص چیست؟

در گذشته زمانی که نسل ما ازدواج می‌کردند، اغلب ازدواج‌ها سنتی بود. خواستگار می‌آمد، خودمان و خانواده نظر می‌دادیم و در نهایت تصمیم‌گیری می‌کردیم. یعنی یک رابطه عاشقانه‌ای پیش از ازدواج شکل نمی‌گرفت یا کمتر شکل می‌گرفت. اما هر چه به سمت جلو حرکت کردیم، دیدیم که غالب ازدواج‌ها به سمت مدرن در حرکت است، در صورتی‌که ازدواج‌ها نه شکل مدرن درستی دارند و نه شکل سنتی! زیرا در قالب سنتی ازدواج‌ها منجر به ازدواج می‌شد و پایدار هم بود، گرچه از نظر عاطفی شاید آن ارضا و رضایت لازم وجود نداشت.

اصولاً زنان در پیوندهای زناشویی «نیازهای عاطفی» برایشان مطرح است اما مردان «نیازهای جنسی» برایشان در اولویت بیشتری قرار دارد. مردان علاقه و محبت خود را از طریق نیازهای جنسی و زنان از طریق نیازهای عاطفی به طرف مقابل نشان می‌دهند و به همین دلیل است که طبق آمار درصد بالایی از زوجین دچار «طلاق عاطفی» میشوند، زیرا زنان و مردان ایرانی خیلی دیر به این ادراک می‌رسند. به علت تابوهایی که در طی این مسیر وجود دارد معمولاً با این قبیل مشکلات مواجه هستیم.

تغییرات در طی سال‌های گذشته در کشور ما به مرور ایجاد شد، رابطه دختر و پسر شکل گرفت، اما ما سعی کردیم این موضوع را مدام کتمان کنیم. اما این موضوع دیگر آنقدر گسترده شده است که کتمان کردن آن دیگر معنایی ندارد. متأسفانه میزان تعهد و وفاداری دختران و پسران ما نسبت به یکدیگر بسیار کم است. حتی در خود اروپا و سایر کشورهای غربی هم پایبندی به یکدیگر تا حد زیادی وجود دارد و افراد تا زمانی که با یک نفر در ارتباط هستند با فرد دیگری وارد یک رابطه جدید نمی‌شوند، این موضوع متأسفانه در میان جوانان ما مشاهده نمی‌شود.

به نظر من این‌ها معضلاتی است که امروزه با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. صداوسیما ما باید به این موضوعات بپردازد و به‌صورت جزئی و دقیق در خصوص آن‌ها توضیح و آموزش دهد. در مدارس و در خانواده‌ها باید این روابط و تمامی جوانب آن به نوجوانان ما به‌صورت اصولی آموزش داده شود.

یک موضوعی را من در سال گذشته بسیار پیگیر آن بودم اما به نتیجه‌ای نرسیدم. و آن اینکه ما به دنبال یک واکسیناسیون برای دخترانمان هستیم که آن‌ها را از بیماری‌هایی که ممکن است از طریق ارتباط جنسی به بدن آن‌ها انتقال دهد، در امان نگاه داریم. اکنون یک بیماری وجود دارد به‌عنوان سرطان «دهانه رحم»، مردانی که دچار یک بیماری مقاربتی باشند، زمانی که با دختران ارتباط جنسی برقرار می‌کنند، شانس اینکه دختر در سنین ۳۵ سال به بالا به سرطان دهانه رحم مبتلا شوند، بسیار زیاد است.

اکنون همان‌طور که می‌دانید، هیچ‌گونه کنترلی بر روابط جنسی وجود ندارد و تعداد بسیار زیادی از دخترانمان ممکن است که به این بیماری مبتلا شوند. این بیماری اصلاً ارتباطی به ارتباط پیش از ازدواج ندارد، بسیاری از مردان ممکن است که به این بیماری مبتلا و آن را به همسر خود انتقال دهند، متأسفانه این بیماری اخیر هم شیوع بسیاری پیدا کرده است. واکسن این بیماری وجود دارد اما قیمت آن بسیار زیاد است. به‌طور مثال اگر این واکسن را در مدارس بگذارند تا دختران را واکسینه کنند یا حداقل از طریق صداوسیما این موضوع را اطلاع‌رسانی و به‌نوعی آگاهی بخشی کنند، خوب است. شاید خانواده‌های قشر ضعیف حاضر باشند که حتی فرس زیر پای خود را به فروش برسانند تا این واکسن را برای دختران خود تهیه و آن‌ها را از این بیماری در امان بدارند.

یکسری فاکتورهایی است که باید به مردم گفته شود. از نظر گستره اجتماعی ما هیچ ساختار درستی از روابط دختران و پسران تعریف نکرده‌ایم. نه درست آموزش و راهنمایی کرده‌ایم و نه به آن‌ها یاد داده‌ایم حالا که این رابطه شکل گرفته است، چگونه منجر به ازدواج شود. تا قبل از اینکه به دانشگاه ورود پیدا کنند، دختران و پسران را از یکدیگر جدا کرده‌ایم، گرچه سن رابطه دختران و پسران بسیار پایین آمده و حتی به سن ۱۱ سال رسیده است، اما هیچ‌گونه مهارت و آموزش درستی را به آن‌ها نداده‌ایم.

این یک فاجعه است که کودکان ما به جای اینکه در فضای کودکی مناسب سن خود باشند، رشد زودرس داشته و وارد مسائل اینچینی شوند. این یک بیماری است و در خارج از کشور هم کودکان و نوجوانان در فضایی مناسب با سن خود حضور دارند و از فضای رشد و بلوغ زودرس دور نگاه داشته می‌شوند. به همین دلیل فکر می‌کنم مسئله حجاب در قبال این حجم از مسائل

مهم و پراهمیت، واقعاً بحث جدی و اساسی نیست. من شخصاً معتقد به حجاب هستم و اگر حرفی هم می‌زنم دلسوزانه و به‌عنوان یک جامعه‌شناس است. نمی‌خواهم دختران جامعه در مورد من قضاوتی داشته باشند، اما همین پوشش روسری که دختران ما دارند نه اسلامی است و نه مدرن. یعنی همان اجباری است که در حال متحمل شدن آن هستند.

متأسفانه ما زنان را به سمت «شی‌ای» شدن سوق می‌دهیم و از زنان یک «صورت» به جا گذاشتیم. تعریفی که از زن ارائه دادیم، نه یک زن توانمند که می‌تواند معلم خوب، یک پرستار کارآمد، یک پلیس یا خلبان موفق و خوب باشد، بلکه سال‌ها این هژمونی وجود داشت و آمدم زن خوب را زنی معرفی کردیم که آرایش می‌کند و در خانه آماده همسرش است. یعنی یک زن خوب و الگو این بود «زن آرایش کرده و همواره آماده خدمت به مرد»، مانند همان خانمی که می‌گوید پای همسر را در تشت آب و با شیر شستشو دهیم.

پس من به‌عنوان زن، شی‌ای بودم که با خدماتی که ارائه می‌دهم خوب دیده می‌شوم. با آرایشی که برای همسرم انجام می‌دهم، با آشپزی و تمیز کردن خانه و ... خوب و خواستنی هستم. همه و همه این مسائل زن را تبدیل به یک ابزار کرده و به زن می‌فهماند که زن خوب، زنی است که مانند ابزار، خدماتی را ارائه دهد و شوهرم هم من را به همین دلایل دوست دارد. این‌ها همه برداشت‌هایی است که برخی به اشتباه از دین ما به زنان ارائه کرده‌اند. دین ما دینی است که حضرت زینب(س) آن‌گونه به جنگ و نبرد می‌رود، دین ما دینی است که حضرت خدیجه یکی از بازرگانان و تجار بسیار معروف آن است، حضرت آسیه و ... همه و همه زنانی هستند که با اراده و قدرتمندانه در جامعه حضور داشته‌اند.

تفسیری که از زن ارائه شده، زن زیبا و آرایش کرده برای همسر بود، اما همه که ازدواج نکردند. زمانی که تعریف زن را این‌گونه ارائه دادیم، زن را به سمت «زیبایی صورت» سوق دادیم، به سمتی که حالا بینات مشکل دارد، پس عمل کن، گونه و لب‌های کوچک است، عمل کن و ... و «زن» را تماماً در «صورت» خلاصه کردیم. ما چه ساختیم؟ همه این‌ها حاصل عملکرد خودمان در طی سال‌های گذشته است، هیچ‌کسی نمی‌تواند بگوید که این دخترها مقصر هستند، مقصر ما هستیم که آن‌ها را به این سمت سوق دادیم، مقصر ما هستیم که گفتیم زیبایی و چهره تو مهم است و او را در جنسیتش برای یک هدف خاص معنا کردیم. ما زنان را به سمتی نبردیم که به او بفهمانیم شعور تو، توانایی‌های تو، سواد تو، هماهنگی میان کارهای تو و ... برای همسرت و به‌طور کلی برای یک مرد مهم است. ما زن را به یک ابزار تبدیل کردیم و نتیجه آن، این چیزی است که اکنون در جامعه مشاهده می‌کنیم.

دختران ما باید آموزش دیده شوند، باید توانمند شوند و آموزش و پرورش نقش تعیین‌کننده و مهمی را در این توانمندسازی دارد.

با توجه به همه این تفاسیر، ارزیابی شما در خصوص حقوق شهروندی چیست و فکر می‌کنید نقش آن در بحث زنان چقدر تأثیرگذار بوده است؟

آقای روحانی بحث حقوق شهروندی را مطرح کردند که ای کاش هیچ‌گاه آن را عنوان نمی‌کردند. زیرا از زمانی که این بحث مطرح شده، ما تضييع حقوق شهروندی را بیشتر می‌بینیم. وضعیت دراویش، وضعیت زنان، وضعیت کارگران و ... ما راه که می‌رویم می‌بینیم حقوق شهروندی مدام در حال ضایع شدن است. خب این چه تعریفی از حقوق شهروندی است؟ در ضمن دستیار ویژه حقوق شهروندی هم قدرت خاصی ندارد. خانم مولوردی شخصیت بسیار برجسته‌ای هستند و بسیار در این مسیر تلاش می‌کنند اما تاکنون خروجی درستی از آن ندیده‌ایم. البته اکنون خانم مولوردی اعلام کرده‌اند که کارهایی را در این زمینه انجام داده‌اند که گزارشی از آن را ارائه خواهند کرد، امیدواریم مطالب دلگرم‌کننده‌ای را ارائه کنند. زیرا ایشان در هرکجا که باشند قطعاً مثرم ثمر خواهند بود.

برگردیم به قبل‌تر، بالاخره آقای روحانی به شما توضیح دادند که چرا نتوانسته‌اند وزیر زن انتخاب کنند و این موانع چیست؟

نه ما نیز تاکنون سؤالات بسیاری را در این خصوص مطرح کرده‌ایم اما ایشان پاسخی را به ما نداده‌اند. فراكسیون زنان «دو سال» است که خواهان دیدار با رئیس‌جمهور است اما تاکنون جوابی دریافت نکرده است. من به‌عنوان رئیس فراكسیون زنان دو سال است که برای دیدار با رئیس‌جمهور درخواست‌های متعددی را مطرح کرده‌ام اما پذیرفته نشده، حتی در این دو سال از طرق مختلف هم اقدام کرده‌ایم اما پاسخی را دریافت نکردیم.

منبع/ جماران

- [1] برجسب ها: حجاب
- [2] فساد
- [3] دختران خیابان انقلاب
- [4] مجلس